

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مقدمه

بحث ما در آیاتی است که دلالت بر وجود حکومت در اسلام دارند. تا اینجا عناوینی که بالمطابقه دلالت بر حکومت داشتند، مورد بررسی قرار گرفت. آیات مسئله‌ی ولایت، مسئله خلافت، اطاعت، حکم، مُلک و وراثت؛ اینها آیاتی بودند که بالمطابقه دلالت بر حکومت داشتند و بحثش را تا یک حدی دنبال کردیم.

دسته دوم آیاتی است که بالمطابقه بر حکومت دلالت ندارند اما به دلالت التزامی کاملاً دلالت بر مسئله‌ی حکومت دارند. طایفه‌ای از این آیات، آیات مربوط به جهاد در قرآن است.

بررسی آیات جهاد

ادعای ما این است که اگر کسی آیات جهاد در قرآن را یک نظر اجمالی داشته باشد، تصدیق خواهد کرد که لازمه‌ی جهاد، وجود یا تشکیل حکومت است.

نحوه‌ی تشریح جهاد

ما معتقدیم همان طوری که در مسئله تحریم خمر، به تدریج مسئله‌ی تحریم مطرح شد، در مسئله جهاد هم به تدریج مسئله‌ی قتال ابتدایی با کفار مطرح شده است. خود این هیچ معنایی ندارد جز اینکه جهاد در قالب حکومت باید باشد؛ اذن در جهاد، کیفیت جهاد، تقسیم غنائم در جهاد، و آثاری که بر جهاد مترتب است مانند گرفتن اسیر و احکامی که برای اسیر هست؛ اینها همه متقوم به وجود یک حکومت است. تا حکومت نباشد جهاد و به تبع آن این احکام معنا ندارد. یکی از ادله‌ای که می‌گوئیم رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه حکومت تشکیل دادند، همین آیات جهاد است. چون تمام این جنگ‌ها در مدینه بود. این سیزده سالی که در مکه بودند هیچ جهادی نبود و مجاز به قتال با مشرکین و کفار هم نبودند. هر چه مشرکین از مسلمان‌ها می‌گرفتند، شکنجه می‌کردند و می‌کشتند، اما مسلمان‌ها مجاز نبودند که مقاتله کنند، تا اینکه -یا در روزهای آخر مکه یا در اول هجرت- آیه‌ی «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظُلُمُوا» (حج/39) نازل شد. پس این یک بیان اجمالی که توضیحش را عرض خواهم کرد. ما معتقدیم اینکه می‌گویند یکی از فروع دین جهاد است، این مسلم مراد جهاد ابتدایی است، این فقط در اسلام وجود دارد و الا جهاد دفاعی در همه مذاهب وجود دارد. جهاد دفاعی را عقل می‌گوید. نیازی به شرع ندارد.

ما می‌خواهیم بگوئیم این جهاد ابتدایی نمی‌شود الا مع الحكومة؛ در جهاد ابتدایی یک مقدمه بزرگی دارد به نام دعوت، یعنی بر حاکم مسلمین یا بگوئیم بر مسلمان‌ها، اول واجب است که از کفار و مشرکین دعوت کنند تا دین اسلام را بپذیرند. این‌طور نیست که مسلمان‌ها همین‌طور بروند سراغ مشرکین! باید آنها را به سوی اسلام دعوت کنند. منطق اسلام را، آیات، بیّنات و معجزات را به ایشان نشان بدهند. طبعاً هر کسی این آیات و معجزات را ببیند، مسلمان می‌شود. حالا اگر مشرکین مهلت خواستند و گفتند یک ماه، دو ماه، یک سال، چند سال به ما مهلت بدهید که راجع به اسلام فکر و تحقیق کنیم، باید به اینها مهلت داده شود. تمام اینها تحت عنوان فقه الدعوة مطرح است؛ یعنی مقدمه‌ی اصلی جهاد ابتدایی، دعوت است. این دعوت را چه کسی باید انجام بدهد؟ حکومت و حاکم مسلمین، او باید از کفار دعوت کند. بعبارة آخری جایی که اصلاً حکومتی به نام حکومت اسلامی و حکومت دینی وجود ندارد موضوعی برای جهاد ابتدایی نیست. یعنی چند نفر از مسلمین از پیش خودشان بگویند که برویم فلان کشور که کافر هستند دعوت کنیم، حق چنین کاری را ندارند! حالا این بحث که آیا جهاد ابتدایی مشروط به حضور معصوم علیه السلام است که بیش از 98 درصد از فقها این نظریه را دارند که منوط به حضور معصوم و اذن معصوم علیه السلام است؛ بحث دیگری است. آنچه الآن عرض می‌کنیم این است که در جهاد ابتدایی باید حکومت باشد. باید یک رئیسی باشد، یک مرئوسی باشد؛ فرمانده و لشکری باشد؛ جمعیتی باشد؛ این متقوم به حکومت است. باید حاکم مسلمین از مشرکین دعوت کند که دین اسلام را بپذیرند.

زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه بودند حکومت بود. پیامبر حاکم بود. مردم تبعیت می‌کردند. پیامبر در بلاد مختلف نماینده داشت. برای جنگ فرمانده معین می‌کرد. اینکه از چه طریقی جنگ کنند؛ اول دعوت را انجام می‌دادند. به سران کشورهای دنیا نامه می‌نوشت. این خودش به معنای حکومت است. معنای حکومت این نیست که بگوئیم پیامبر قوه قضائیه، مقننه و مجریه داشته باشد. این یک شکلی از حکومت در زمان ما است. مقوم حکومت عبارت است از حاکم و مأمورین یعنی مردم، یا فرمانده و فرمان‌بر - یعنی افرادی که دستور را تبعیت می‌کنند -، یا مطیع و مطاع واحد، این می‌شود یک حکومت و قانون واحد. در زمان پیامبر این حکومت بوده و پیامبر حکومت داشتند. این جنگ‌ها بدون حکومت نمی‌شود تحقق پیدا کند و حتی مجرد حضور معصوم در جهاد ابتدایی کافی نیست و باید معصوم حاکم باشد. یعنی حکومت ظاهریه داشته باشد و مردم از او تبعیت کنند. و الا اگر در زمانی است که حاکم مثل زمان بنی امیه و بنی العباس - که آنها آمده بودند حکومت را غصب کرده بودند و همه‌ی اختیارات و قدرت دست ایشان بود -، آن زمان نمی‌توانستیم بگوئیم امام معصوم علیه السلام اذن در جهاد ابتدایی بدهد، چون حکومت نداشتند. اینکه در بعضی از روایات وارد شده که گاهی اوقات به ائمه اعتراض کردند که چرا شما علیه حاکم وقت قیام نمی‌کنید و حضرت می‌فرمودند من اگر چند نفر مثل فلانی - از مؤمنین واقعی -، را داشتم این کار را می‌کردم؛^[1] یعنی اگر امکان تشکیل ولو یک حکومت محدود، باشد. نکته‌ای که کمتر به آن توجه شده است. یا اینکه ائمه گاهی می‌فرمودند ما اگر به عدد این موجودات یار داشتیم^[2] یعنی اگر حکومت را می‌توانستیم درست کنیم. پس مقوم اصلی برای جهاد ابتدایی مسئله حکومت است و باید حکومت باشد، تا حکومت نباشد دعوت معنا ندارد. قیام نمی‌شود چون قیام متوقف بر حکومت است.

اشکال. حرکت امام حسین علیه السلام در حالی صورت گرفت که آن حضرت حکومتی تشکیل نداده بودند.

جواب. امام حسین علیه السلام به عنوان جهاد ابتدایی حرکت نکردند بلکه آن طرفش عده‌ای بودند که نماز خوان و قرآن خوان بودند و به حسب ظاهر مسلمان بودند. در جهاد ابتدایی طرف مشرکین و کفار هستند و لذا آن جهادی که امام حسین علیه السلام انجام داد را تعبیر می‌کنیم به جهاد ذبی، یعنی دفاع عن بیضة الاسلام. این نوع جهاد متوقف بر حکومت نیست؛ بلکه مدعای ما این است که جهاد ابتدایی متوقف بر حکومت است؛ در جهاد ابتدایی باید آن سلطان یا آن مردم همه مشرک باشند، که این نوع جهاد، دفاعی هم نیست.

از چیزهایی که هنوز درست منقح و بحث نشده، نه در فقه و نه در تفاسیر همین بحث جهاد ابتدایی است و لذا برخی به اشتباه گفته‌اند اصلاً چیزی به نام جهاد ابتدایی نداریم. می‌گویند اگر کفار حمله کردند یا کفار دارند توطئه می‌کنند برای حمله به مسلمان‌ها، اینجا مسلمان‌ها در مقام دفاع بیایند. اما چیزی به نام جهاد ابتدایی نداریم. و لذا در همین 50 ساله اخیر کتاب جهاد در اسلام را نوشتند. اول کتاب هم این را آوردند که فقها و مفسران از زمان شیخ طوسی الی زماننا هذا، اشتباه کرده‌اند که این جهاد را تقسیم کردند به دفاعی و ابتدائی. این آقا می‌گویند ما چیزی به نام جهاد ابتدایی نداریم! می‌گویند تماماً اشتباه کردند هم فقها و هم مفسران، و معتقد است که این آیه‌ی شریفه‌ای که داریم «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/190) فراز «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» قیدی است که تمام مطلقات را تقيید می‌زند. مثلاً «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ» (بقره/216) که یکی از آیات محکم و مطلق در جهاد ابتدائی است. نگارنده کتاب جهاد در اسلام معتقد است که این آیه را فراز «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» تقيید می‌زند. یعنی «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» مقید آن «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ» است؛ لذا قتال با کسانی که می‌آیند تا با شما جنگ کنند، بر شما واجب است.^[3] من نمی‌خواستم وارد محتوای این شوم چون آیات جهاد ابتدایی را مفصل مورد بحث قرار دادیم و چاپ هم شده است.

نحوه‌ی تشریع جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی مثل مسئله‌ی حرمت خمر است، همان طوری که حرمت خمر تدریجی حرام شد، وجوب جهاد ابتدائی هم تدریجی جعل شد. اینجا داخل پُرانتز عرض کنم که در جهاد دفاعی، تدریجی بودن معنا ندارد. در جهاد دفاعی هر وقت هر مهاجمی به انسان حمله کند، فطرت انسان می‌گوید بر تو دفاع واجب است. عقل می‌گوید: دفاع واجب است. تدریجیت یعنی چه؟ آنچه تدریجیت در آن معنا دارد، جهاد ابتدائی است. در باب خمر، خداوند اول فرمود: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ» ای رسول ما راجع به خمر و قمار از شما سؤال می‌کنند. «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمْ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا» (بقره/219) همین اندازه که هم در آن خوبی و هم بدی است و بدی‌اش بیشتر از خوبی‌اش می‌باشد. در مرحله بعد خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (نساء/43) وقتی مست هستید نماز نخوانید. در مرحله سوم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» اینجا نازل شد که از خمر اجتناب کنید. خمر رِجس و پلیدی است. آنچه متیقن از آن هست اینکه بالأخره خوردنش حرام است. این رِجس قدر متیقنش این است که خوردنش حرام است؛ حالا بحث نجاستش یک بحث دیگری است.

می‌رسیم در باب جهاد ابتدائی، آیاتی داریم که خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید بر شما کفّ از مبارزه با کفار واجب است. «وَدَعَا أَذَاهُمْ» (احزاب/48) اگر اینها شما را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند، مقابله نکنید. مرحوم آقای طباطبائی می‌فرمایند: جهاد ابتدایی دو مرحله دارد؛ یک مرحله ممنوع بوده و یک مرحله مشروع شده، مرحله‌ای که مشروع شده، خودش دارای چهار مرحله است: 1) قتال با مشرکان مکه، اول مرحله‌ای که جهاد ابتدایی مشروع شده قتال با مشرکان مکه است. 2) قتال با اهل کتاب 3) قتال با عموم مشرکان. اعم از مکه و غیر مکه 4) قتال با مطلق کافران اعم از مشرکان و اهل کتاب. ایشان این‌طور مرحله بندی کرده‌اند.

ما در آن کتاب آیات جهاد در قرآن، این‌طور ذکر کردیم:

1) لزوم کف و خودداری از قتال؛ یک مرحله همان مرحله ممنوعیت است. مسلمان‌ها می‌آمدند در مکه به پیامبر عرض می‌کردند که اجازه بدهید که به اینها حمله کنیم. آیه آمد که حق ندارید حمله کنید. خودداری از قتال کنید؛ «وَأَصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل/10) «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون/6) اینها مربوط به آن مراحل اول بوده است.

«فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ». گذشت کنید تا اینکه خدا دستورش را بفرستد. این مال مکه است.

(2) إذن در قتال، آیه 39 حج که می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» اذن داده شد اینها که قبلاً مقاتله می‌شدند، یعنی مشروعیت داده شد.

(3) وجوب جهاد دفاعی

(4) ترغیب به جهاد ابتدائی مثلاً این آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (انفال/65) وجوب جهاد ابتدائی است. وجوب جهاد ابتدائی به نحو عام «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ» (بقره/216) اینها همه‌اش هم قرائن فراوانی دارد که این قتال مراد قتال ابتدائی است. قتال دفاعی نیاز به کتب ندارد؛ «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ» یعنی ابتداءً مسلمین بروند «وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ» این برای مسلمین سخت است اما «كُتِبَ عَلَيْكُمُ».

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (توبه/123) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلِظْ عَلَيْهِمْ» (تحریم/9) «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه/36) «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه/5) و آیات دیگری که خودتان مراجعه کنید به آن کتاب.

جهاد ابتدائی به نحو عام بدون هیچ قیدی «وَقَاتِلُوهُمْ» بروید با کفار مقابله کنید، حتی لا تكون فتنة، این فتنه در این آیه 193 بقره یعنی شرک. چرا؟ اولاً دنباله‌اش یک قرینه دارد «وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره/193) می‌فرماید: شرک نباشد. دین برای خدا باشد؛ یعنی تنها دینی که حکومت می‌کند و تنها قانونی که حکومت می‌کند قانون خدا باشد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه/38) اینها آیات جهاد ابتدایی است. وقتی به شما می‌گوئیم کوچ کنید در راه خدا و با کفار و مشرکین جهاد کنید شما سخت‌تان است! اگر کسی به انسان حمله می‌کند انسان راهی ندارد و باید با او مقابله کند. آنجا «انْأَقِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ» معنا ندارد و اصلاً موضوع ندارد. بنابراین معنای آیه این است که رسول خدا به مسلمین بفرماید ابتداءً بروید جنگ کنید با مشرکین و کفار.

البته بحث از اینکه آیا جنگهای پیامبر جنگ‌های ابتدایی بوده یا نه، یک بحث دیگر است. هر چند فتح مکه مسلم جهاد ابتدایی است. آیات می‌گوید خواه آنها حمله کنند یا نکنند، با آنان جهاد کنید. آیه اطلاق دارد ولو اینکه نخواستند با شما جنگ کنند، ما این همه آیات داریم یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ (تحریم/9)، «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ» (بقره/216)، قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (توبه/123) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (انفال/65) «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره/193) که آیه قرینه دارد بر اینکه مراد از فتنه، شرک است. یعنی خدا می‌فرماید، غرض اصلی از جهاد ابتدائی توسعه‌ی قدرت نیست. غرض اصلی از جهاد ابتدائی به دست آوردن اموال دیگران نیست. غرض این است که شرک از بین برود.

متأسفانه جهاد ابتدایی را نیامدند درست منقح کنند. می‌گوئیم اولاً باید قبل از شروع قتال، دعوت باشد. ثانیاً هدف در جهاد ابتدایی چیست؟ هدف «لَا تَكُونَ فِتْنَةً» است. در همان کتاب جهاد در اسلام، نویسنده می‌نویسد «حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» یعنی توطئه‌ی آنها را از بین ببریم، عجیب این است که خود آیه می‌گوید «وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»، آیه قرینه روشن دارد و اعجب از این، اینست که روایت معتبر ذیل این آیه داریم که امام علیه السلام می‌فرماید: مراد از فتنه شرک است.^[4] باز در آیات دیگری در قرآن اگر کسی بپرسد کلمه فتنه در شرک استعمال شده یا نه؟ می‌گوئیم بله آیات دیگر هم داریم. نویسنده کتاب جهاد در اسلام آمده فتنه را فتنه‌ی عرفی اصطلاحی زمان ما معنا کرده؛ یعنی توطئه. کفار دارند توطئه می‌کنند علیه شما، توطئه‌شان را از بین ببرید!

ما در قرآن آیات جهاد ابتدایی داریم که به نظر می‌رسد آیات جهاد ابتدایی از آیات نماز بیشتر است. به نظر من این چنین است.

خودتان هم تتبع بفرمائید. این «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» قید احترازی نیست. بلکه قید توصیفی خود کفار است. برای اینکه در بعضی از آیات دیگر می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره/213) یعنی ذات کفار این است که دائماً در صدد قتال با شما هستند «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» عنوان مشیر به کفار است نه قید احترازی.

[بایسته توجه است که] ما اول باید ببینیم مستفاد از آیات چیست؛ بعد برویم سراغ سیره. آیات قرآن بسیار قوی است، ظهور بسیار قوی دارد در مسئله‌ی جهاد ابتدائی. اگر کسی اصول قوی داشته باشد می‌فهمد که این قید «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» قیدیت ندارد. این قید احترازی نیست. این یک عنوان مشیر به کفار است. عنوان بارز کفار، مقاتله‌ی با مشرکین بوده است. مثل اینکه الآن ما در زمان خودمان می‌گوئیم بروید با اسرائیل مقاتله کنید، بعد یک عنوان کودک کش هم برایش می‌آوریم، می‌گوئیم بروید با این رژیم کودک‌کش مقاتله کنید. این آیا احتراز است؛ بگوئیم اگر این اسرائیل یک زمانی دست از کودک‌کشی‌اش برداشت، تمام می‌شود؟! نه، این یک عنوان مشیر است. این اشاره به باطن اینها دارد. علی کل حال این آیات جهاد ابتدایی است. یک سری آیات توهم معارضه می‌شود: مثل «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/256) یا بعضی از آیات دیگر که ان شاء الله جلسه بعد عرض خواهم کرد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج8، ص32.

[2]. همان، ج2، ص243.

[3]. رجوع شود به: نعمت الله صالحی نجف آبادی، جهاد در اسلام.

[4]. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج8، ص201.